

نامه های رسیده

به نام خدا

خدمت سرپرست محترم سازمان

با عرض سلام

سخن ما در مورد بی مهری های دانش آموزان فارغ التحصیل - حداقل مرکز خودمان - به علوم پایه و سیاست سازمان در مورد علوم انسانی است.

هنگامی که نتایج کنکور سراسری اعلام شد، دریافتیم که ۱۰۰٪ قبولی ریاضی و ۵۰٪ قبولی در رشته تجربی داشته ایم و این نتیجه ۶ سال کار این مرکز به روی اولین شاگردان خود است. البته نه تنها نتیجه زحمات این مرکز بلکه ثمره تلاش و خلاقیت این دانش آموزان، معلمان و والدینشان زیر نظر این مرکز و سازمان در این چند سال می باشد. خدا را شکر. انشاء الله که همگی موفق باشند. اما، در مقابل اسامی، رشته های خواهران (حتماً برادران هم اینگونه بوده است) هم ذکر شده بود. خوب بود؟ عالی بود؟ ۱۰۰٪ قبولی ریاضی که بهتر است بگوییم مهندسی (به جز ۱ نفر فیزیک) و ۵۰٪ قبولی تجربی که آن هم پزشکی است. (به جز ۳ نفر در شیمی و زیست) این دور از انتظار هم نبود. وقتی که در مراکز استعدادهای درخشان تنها ۲ رشته تجربی و ریاضی (که آن هم توسط بچه ها و جامعه به پزشکی و مهندسی تبدیل شده!) برای انتخاب وجود دارد، نتایج دیگری هم باید انتظار داشت؟ ظاهراً نه، اما گویا علوم پایه و انسانی هیچ ارزش و اهمیتی ندارند و باید کسانی به این علوم مشغول باشند که در زمینه علوم ریاضی (مهندسی!) و تجربی (پزشکی!) استعداد و کاری ندارند! متأسفانه این فکر نادرست از همان ابتدا در دوران راهنمایی و دبیرستان در اذهان ما تزریق می شود. در میان دانش آموزان، دانش آموزان علوم انسانی و در میان دانشجویان، دانشجویان علوم انسانی و پایه، چون به این علوم! - انسانی و پایه - مشغولند، احساس حقارت می کنند و در مقابل کسانی از اصحاب هندسه (مهندسی!) و زیست (پزشکی!) احساس غرور دارند. زیرا بهره ای از علوم مادی و دنیوی داشته و عنوان و مقامی بالا و به زودی نیز شاهد فواید و نتایج آنی و این جهانی آن خواهند بود. چرا علوم انسانی در اولویت نبوده و ضرورتی ندارد که سرمایه این مملکت صرف آن شود؟ تا این حد که در مراکز سازمان استعدادهای درخشان این کشور رشته ای به نام علوم انسانی وجود ندارد؟! درست است که علاقمندان می توانند حتی با دیپلم ریاضی و تجربی در دانشگاه به این علوم روی آورند (البته در دانشگاه های سراسری هم برای این علم آنچنان که باید سرمایه گذاری نمی شود). اما تربیت افراد در دوران دبیرستان امری مهمتر و والاتر است. علوم انسانی و فلسفی را نیز با کمال دقت - با زانو زدن نزد استاد - فرا گرفت. آیا صنعت و تکنولوژی آن دیار - مغرب زمین - ما را مسخ کرده است؟ اگر چنین است چرا سراغی از وضعیت علوم انسانی و فلسفی آن دیار نمی گیرید؟ کافی است که یکی از بولتن های دانشگاه آکسفورد را تورقی کنید، خواهید دید که تعداد و تیراژ کتب علوم انسانی و فلسفی اگر بیشتر از علوم غیر انسانی نباشد، کمتر نیست. چگونه می توان بدون داشتن علوم انسانی در سطح عالی؛ صنعت، تکنولوژی، اقتصاد، پزشکی و مهندسی در سطح عالی داشت؟ صنعت و تکنولوژی منهای علوم انسانی یعنی چه؟ چرا هنوز علوم انسانی و اجتماعی و روانشناسی و پایه و ... در ایران ما دوران طفولیت خود را سپری می کند و نیرو و متخصص به حد کافی وجود ندارد؟ آیا ما بعنوان استعدادهای درخشان این مرز و بوم مسئول این مهم نیستیم؟ در ادیان و عرفان و فرهنگ و تمدن اسلامی و علوم قرآنی شدیداً محتاج محققین و دانش پژوهانی هستیم که بتوانند خلاءهای موجود را پر کنند. (نه آن دسته از دانش آموزان

ضعیف که به ناچار سراغ این علوم رفته اند!) مگر نه این است که بسیاری از کارهای عمده در علوم پایه و فرهنگ و تمدن اسلامی و ادیان و عرفان و حتی علوم قرآنی و ادبیات فارسی توسط مستشرقین صورت گرفته است؟

مسئله المپیادها و مسابقات جهانی از حدود ۱۵-۱۰ سال پیش در ایران مطرح شده است و خدا را شکر در این چند سال اخیر شاهد نتایج عالی در علوم ریاضی، فیزیک، شیمی و کامپیوتر بوده ایم و توانسته ایم کشورمان را در جهان مطرح سازیم. اما گمان نمی‌کنید که ما در مورد علوم انسانی و معارف اسلامی نیز مسئولیم؟ در این عصر که گرایش به سوی این علوم کم است و در چند سال آینده با کمبود نیروی متخصص به حد زیادی مواجه خواهیم شد، ما بعنوان استعداد‌های برجسته ایران و خلاق باید به فکر باشیم و چاره اندیشی کنیم. چرا همانند دیگر المپیادها در این زمینه نیز اقدام به برگزاری المپیادهایی در حوزه کشورهای اسلامی نمی‌کنیم؟ آنقدر این علوم وسیعند که می‌توان در رشته‌های مختلف، المپیاد برگزار کرد. در زمینه ادبیات، تاریخ، جغرافیا، علوم اجتماعی، منطق، فلسفه و احادیث ائمه (ص) و ... خود بهتر آشنایی دارید. برگزاری چنین مسابقاتی کمک بزرگی برای حفظ این علوم و جذب کردن دانش‌آموزان به این علوم است.

مگر نه این است که رؤسا و مسئولین نهادها و مراکز و سازمانها از متخصصین در این علوم انتخاب می‌شوند و کمتر می‌شود که یک استاد فیزیک یا ... مدیریت یک نهاد را برعهده بگیرد. پس این مهم در آینده کشور ما نقش دارد و علاوه بر اینها دین ما نسبت به این علوم ادا خواهد شد و اثرات معنوی بسیاری برای دانش‌آموزان خواهد داشت. بدون علوم انسانی و بدون فلسفه اسلامی با کدامین اسلحه می‌توان در مقابل تهاجم فرهنگی مقاومت کرد و اعتقادات نسل جوان را قوت بخشید، حفظ نمود؟ بدون علوم پایه و انسانی چگونه می‌توان استقلال این کشور را آن هم این زمان که دشمنان در فکر تحریم این سرزمین عزیز از هر راه که ممکن باشد؛ هستند، حفظ نمود؟

این علوم باید بر صدر نشسته و قدر بینند. چه، با معنویت و انسانیت ما در ارتباط هستند و تا معنویت و انسانیت ما قوی و مستحکم نباشد، صنعت و تکنولوژی نه تنها در جهت نجات و پیشرفت ما کاری نخواهد کرد، بلکه بدون معنویت و انسانیت دقیقاً در جهت نابودی و انهدام انسانها خواهد بود (مثل کشورهای صنعتی و ...)

به امید بررسی و تجدید نظر سازمان در مورد رشته علوم انسانی و توجه بیشتر فارغ‌التحصیلان به علوم پایه و انسانی.

«والسلام»

جمعی از دانش‌آموزان دبیرستان

فرزانگان شیراز

استعداد‌های درخشان: برای سازمان هیچگونه محدودیتی از نظر گرایش رشته علوم انسانی وجود ندارد. پیام عزیزان ما از مرکز شیراز برای کلیه دانش‌آموزان سال اول نظام جدید قابل توجه است. ما در ارتباط با رشته‌های درسی پرشنامه‌های تکمیل شده‌ای را در اختیار داریم که جهت خوانندگان، پس از تدوین در مجله منعکس خواهد شد و تردیدی نداریم که در بخش مدیریت، با توجه به این رشته می‌توان به ترتیب نیروهای مورد نیاز جامعه اقدام نمود.

بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت دکتر اژه‌ای و دست‌اندرکاران فصلنامه مجله «استعداد‌های درخشان». مدت‌ها بود که تصمیم به نوشتن این نامه داشتم تا بتوانم از طریق آن جوابم را بگیرم. جناب دکتر اژه‌ای از آنجا که سطح نمره‌ها در مدارس سازمان با سختگیری بیشتری روبرو است. آیا شرط معدل برای شرکت در المپیادها در مورد دانش‌آموزان سازمان نیز اعمال می‌شود؟ آیا بعضی از دانش‌آموزان مراکز که شاید نتوانسته‌اند در سالهای نخست دبیرستان معدل خوبی بیاورند و در سالهای بعد آن را جبران کرده‌اند و علاقه برای شرکت در المپیادها را دارند، فقط به خاطر نیاوردن معدل کافی نمی‌توانند در المپیادها شرکت کنند؟ ما دانش‌آموزانی که امتحاناتمان نسبت به مدارس دیگر سخت‌تر است، حق شرکت در المپیادها را فقط به خاطر نیاوردن معدل کافی و شرایط لازم (به علت امتحانات مشکل) از دست می‌دهیم. ولی در مدارس دیگر دانش‌آموزانی هستند که

معدل کافی برای شرکت در المپیادها را دارند، ولی از نظر سطح علمی از دانش آموزان مرکز که معدل کافی برای شرکت در المپیادها را ندارند، کمتر هستند (البته نه همه).

آیا این حق است که این دانش آموزان در المپیادها شرکت کنند ولی ما نتوانیم؟ به امید آنکه جوابم را در فصلنامه دریافت کنم.

با نهایت تشکر و احترام

دانش آموز ناامید یکی از مراکز سازمان

۱۳۷۴/۵/۹

استعدادهای درخشان : در چند سال اخیر، مشکل معدل برای شرکت دانش آموزان مراکز در المپیادها، مشکل اساسی شده بود. حضور مراکز شهرستانی از یکسو و لغو بخشنامه مربوط به قبول معرفی دانش آموز از سوی مراکز سازمان، به نظر ما، هیچگونه تغییر کلی و جزئی در نتایج نهایی نداشته و نمی توانست داشته باشد. تفاوت اساسی نمرات مراکز- که برخی از اولیاء، آن را «افت تحصیلی» تعبیر می کنند- مشکل جدی است، لذا از هیئت امنا «باشگاه دانش پژوهان جوان» درخواست شد تا این موضوع را در دستور دومین جلسه خود قرار دهد. جهت زمینه ذهنی، نمرات ریاضی و علوم ثلث سوم راهنمایی تمام مراکز که با سئوالاتی مشترک با مدارس عادی اجرا شده بود، با نمرات ثلث اول و دوم که سئوالات توسط خود مراکز تهیه می شد، مقایسه و در برخی مراکز مشاهده شد تفاوت تا ۴ نمره می باشد. در اختیار اعضاء قرار گرفت. منتها هیئت امنا به دلایل دیگری مسئله ضابطه معدل را تأیید نمود، البته از سال قبل سرپرست سازمان طی بخشنامه ای از کلیه مراکز خواسته بودند که در دروسی که سختگیری بیجا موجب عدم حضور دانش آموزان واجد شرط در المپیادها می گردد، خودداری شود. نتایج المپیادها برای سال ۷۵ تأیید اساسی این نظر سازمان است که شرط معدل در مرحله نهایی هیچگونه مشکلی برای دانش آموزان واجد شرط بوجود نمی آورد، ولی از نظر عاطفی عدم شرکت افراد قویتر در مرحله مقدماتی مشککش باقی است.

به نام خدا

با سلام خدمت شما دست اندرکاران «مجله استعدادهای درخشان» و عرض خسته نباشید به شما عزیزان. من یکی از دانش آموزان مرکز فرزندگان ارومیه هستم. چند روز پیش که مجله شماره ۲ امسال به دستم رسید، با نامه جالبی که آقای تجزیه چی از همدان فرستاده بودند. روبرو شدم. چند بار نامه ایشان را خواندم ولی مقصود و هدف اصلی شان را از این حرف ها نفهمیدم. نفهمیدم منظورشان از موفق بودن سازمان چیست؟ در حدود ۷۰ درصد از برگزیدگان مرحله اول المپیاد فیزیک و شیمی و ۱۲ مدال از ۱۳ مدال طلای کشوری این دو المپیاد جهت سال ۱۳۷۵، از مدارس سازمان استعدادهای درخشان در کل کشور بودند. آقای تجزیه چی شما را نمی دانم ولی من به این ارقام عدم موفقیت نمی گویم و یا اینکه ۱۱ مدال از مجموع ۲۰ مدال امسال- سال ۷۴- از المپیادهای فیزیک، شیمی، کامپیوتر و ریاضی، ره آورد چند دانش آموز از این سازمان بوده و یا اینکه نوشته بودید سازمان معیار درستی برای آزمون ورودی ندارد. خواهشمندم شما معیار صحیح را بفرمائید. انشاءالله منظور شما امتحان کتبی و شفاهی از تک تک چند میلیون دانش آموز کشور نیست. و متذکر می شوم که اغلب ممالک صنعتی دنیا نظیر آلمان و آمریکا و انگلیس و شوروی و ... چنین مدارسی برای پرورش استعدادهای دانش آموزان مستعدتر دارند. در انتها از شما تقاضا دارم قبل از اینکه چنین ادعاهایی را به زبان برانید و آن را در یک مجله که مورد استفاده هزاران نفر است مطرح کنید، کمی تحقیق کنید و بدانید کسانی هم وجود دارند که به شما اجازه چنین اهانتهایی را به این سازمان نمی دهند.

با کمال تشکر

لاچین محامی - دوم ریاضی فیزیک

مرکز آموزشی فرزندگان ارومیه

استعداد‌های درخشان : چاپ نامه‌ای انتقاد آمیز از سوی یکی از دانش‌آموزان مدارس عادی همدان پاسخهای زیادی را بدنبال داشت. جهت انعکاس یک نوع نگرش اقدام به چاپ آن نمودیم. خوانندگان مجله نیز ضرورت دارد اینگونه تجزیه و تحلیل‌ها!! را انتظار داشته باشند.

بسمه تعالی

ضمن عرض سلام و آرزوی شادکامی بر شما دست اندرکاران مجله همانطور که حتماً مستحضرید پنجمین کارسوق علوم زیستی دانش‌آموزان مراکز آموزشی سازمان در شهرستانها در روزهای بیست و پنجم الی بیست و هفتم مرداد امسال در مرکز علامه حلّی تهران برپا شد که در آن دانش‌آموزان برگزیده از استانهای آذربایجان شرقی، لرستان، مازندران و مرکزی حضور داشتند.

برگزارکنندگان این کارسوق که از فارغ‌التحصیلان مرکز تهران بودند، با وجود آنکه خود دانشجو بوده و با کمبود وقت مواجه بودند، بر دیده منت نهادند و بزرگوارانه کمال همکاری را با ما داشتند. به طوری که تا ساعتها بعد از نیمه شب در بحثهای ما شرکت می‌کردند و آموخته‌های خود را بی هیچ چشمداشتی در اختیار ما قرار می‌دادند. من نیز به نوبت خود نهایت قدردانی و سپاس را از آقای قریشی مدیر شایسته کارسوق و آقایان: بریری، یزدانبخش، رحیمی، فضل، درویش، آخوندزاهد، مسرور، شعاع منش و سایر دوستان داریم.٪

اجرکم عندالله
محمودحسین پورفیض
مرکز شهید مدنی تبریز

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر جواد اژه‌ای، ریاست محترم سازمان با سلامی گرم و عرض خسته نباشید خدمت شما و سایر دست‌اندرکاران سازمان و مجله. من نگاهی داشتم به نامه‌هایی که دانش‌آموزان اکثر نقاط کشور اسلامی‌مان نوشته بودند و در مجله چاپ شده بود. در این نامه‌ها، اغلب دانش‌آموزان پیشنهاد، انتقاد و یا سؤال خود را بیان کرده و دفتر مجله نیز به آنها پاسخ گفته بود. من هم خواستم با مطرح کردن مطلب خود با شما، این نامه را وسیله ارتباطی میان خود و سازمان قرار دهم.

انتقاد من از شما این است که مجلات استعداد‌های درخشان و ضمیمه «روایت» خیلی دیر به دست ما که در سنندج سکونت داریم، می‌رسند. این دیر رسیدن گاهی حتی تا ۷ الی ۸ ماه هم به طول می‌انجامد. البته این را نیز من می‌دانم که تهیه کاغذ، گردآوری و چاپ مطالب، کار چندان ساده‌ای هم نیست، اما همین دیر رسیدن مجله‌ها منجر به تغییر بعضی از خبرها می‌شود. پس خواهش می‌کنم این مطلب را پیگیری کنید و باید عرض کنم این سومین نامه من است که این مطلب را در آن بیان می‌کنم.

یک مطلب دیگر را هم باید بگویم که خواهش می‌کنم با معلمان مدارس در میان بگذارید. به آنها بگویید که این دانش‌آموزی که به این مدرسه آمده است و به او تیزهوش می‌گویم، دیگر افلاطون زمان هم نیست که معلمها (البته بعضی از آنها) می‌روند سئوالهایی طرح می‌کنند که حتی این سینا هم قادر به جواب دادن آنها نیست. لطفاً پیگیری شود.

با تشکر فراوان
وحید محمدی-دوم راهنمایی
مرکز شهید بهشتی سنندج

استعدادهای درخشان: همیشه شماره ۱ و ۲ مجله همزمان بدست خوانندگان می‌رسد و علت آن اینست که مجله در آخرین روزهای هر فصل بسته می‌شود و اگر ۱۵ روز هم جهت چاپ و توزیع بگذاریم، شماره اول در نیمه تیرماه به بعد به مراکز ارسال می‌گردد و دانش‌آموزان مراکزی که برنامه تابستانی ندارند، در مهر ماه آن را دریافت می‌نمایند.
در مورد «مطلب دیگران» باید متأسفانه قبول کنیم که «برخی» از همکاران انتظار بیجا از دانش‌آموزان مراکز دارند. همین دانش‌آموزان در مدارس عادی به شدت تقدیر می‌شوند و برخی از اینها در مدارس ما مورد کم‌لطفی قرار می‌گیرند.

نامه‌ها و نوشته‌های شما عزیزان دریافت شد، متشکریم:

□ ابهر؛ لیلیا خدابنده □ اراک؛ ولی دانش‌آموز مرکز علامه حلی □ مرکز شهید بهشتی ارومیه؛ رضا آزادگان □ مرکز فرزاتگان امین اصفهان؛
فارغ‌التحصیل؟ □ مرکز شهید اژه‌ای اصفهان؛ آ.ج. □ اهر؛ محمد بخت‌آور □ مرکز شهید بهشتی بیرجند؛ محسن شاهی گبو □ مرکز شهید مدنی
تبریز؛ حسن امیری؛ جمعی از دانش‌آموزان، مهرباب پورایران (فارغ‌التحصیل مرکز)؛ محمد - الف. □ تهران: شیما کربلایی محمد □ مرکز شهید بهشتی
خرم‌آباد؛ دانش‌آموز؟ □ مرکز فرزاتگان خرم‌آباد؛ زهرا سهوند □ مرکز شیخ‌انصاری دزفول؛ حامد صابر □ مرکز فرزاتگان دزفول؛ دانش‌آموز؟
□ مرکز میرزا کوچک‌خان‌رشت؛ کامران هنرنژاد، مجیدرضا تقوی (فارغ‌التحصیل مرکز) □ ساری؛ احمد کریمی؟ □ مرکز فرزاتگان ساری؛ مینا مهرآبادی
□ مرکز فرزاتگان شاهرود؛ آزاده روان‌بخش؛ م؟ □ مرکز فرزاتگان شیراز؛ زهرا آقاشریف؛ دانش‌آموز؟؛ چند تن از اولیاء دانش‌آموزان □ مرکز شهید
بابائی قزوین؛ آرش جلیوندنژاد (فارغ‌التحصیل مرکز) □ مرکز فرزاتگان قم؛ دانش‌آموز؟ □ مرکز فرزاتگان کوج؛ جمعی از دانش‌آموزان □ کنگان؛
حبیب رزمی‌زاده □ گچساران؛ پژمان رشیدی □ مشهد؛ عارف ادیبی‌دخایی □ مرکز فرزاتگان مشهد؛ حدیث جاودانی □ مرکز فرزاتگان
همدان؛ سعیده امانی.

○

○

○

